



اثر ظرفیت سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی استان تهران

آرزو فاتحی جیفرودی^۱، خلیل میرزایی^{۲*}، حمیدرضا فاتحی^۳

۱. گروه علوم اجتماعی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: mirzaeei_khalil@iau.ac.ir

چکیده

هدف این پژوهش، تبیین اثر مستقیم و غیرمستقیم ظرفیت سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار با نقش واسطه‌ای توانمندسازی در چارچوب نهادی سازمان بهزیستی استان تهران است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از حیث روش‌شناسی توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه زنان سرپرست خانوار ۲۵ تا ۴۹ سال تحت پوشش سازمان بهزیستی استان تهران با حجم تقریبی ۳۳۰۰ نفر بود که با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین و در نهایت ۴۴۸ پرسشنامه معتبر تحلیل شد. نمونه‌گیری به روش تصادفی نظام‌مند انجام گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته ۶۵ گویه‌ای بود که روایی آن با $CVR=0.89$ و پایایی آن با آلفای کرونباخ بین 0.74 تا 0.91 تأیید شد. تحلیل داده‌ها با رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر در نرم‌افزار SPSS صورت گرفت. ظرفیت‌سازی اجتماعی اثر مثبت و معناداری بر مشارکت اقتصادی دارد ($R^2=0.27, p<0.001$). در میان مؤلفه‌های ظرفیت‌سازی، نهادهای رسمی قوی‌ترین پیش‌بین مشارکت اقتصادی بودند ($\beta=0.359, p<0.001$)، در حالی که سرمایه اجتماعی اثر معناداری نشان نداد ($\beta=0.117, p=0.003$). توانمندسازی نقش واسطه‌ای قوی ایفا کرد و تأثیر معناداری بر مشارکت اقتصادی داشت ($\beta=0.442, p<0.001$). عوامل ساختاری-فرهنگی اثر منفی ($\beta=-0.141, p=0.003$) و راهکارهای سیاستی اثر مثبت ($\beta=0.192, p<0.001$) بر مشارکت اقتصادی نشان دادند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی پایدار زنان سرپرست خانوار تنها از مسیر تقویت همزمان نهادهای رسمی، برنامه‌های توانمندسازی فردی و اصلاح موانع ساختاری تحقق می‌یابد و مداخلات حمایتی منفرد بدون این هم‌افزایی اثربخشی محدودی خواهند داشت.

کلیدواژه‌گان: ظرفیت‌سازی اجتماعی؛ مشارکت اقتصادی؛ توانمندسازی؛ زنان سرپرست خانوار؛ توسعه اجتماعی

تاریخ ارسال: ۱۶ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۰ آذر ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۱۸ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۵



How to cite: Fatehi Jifrudi, A., Mirzaee, K., & Fatehi, H. R. (2026). The Effect of Social Capacity Building on the Economic Participation of Female Heads of Household under the Welfare Organization of Tehran Province. *Training, Education, and Sustainable Development*, 4(2), 1-15.



© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

The Effect of Social Capacity Building on the Economic Participation of Female Heads of Household under the Welfare Organization of Tehran Province

Arezo Fatehi Jifrudi¹, Khalil Mirzaee^{1*}, Hamid Reza Fatehi¹

1. Department of Social Sciences, Ro.C., Islamic Azad University, Roudehen, Iran

*Corresponding Author's Email: mirzaeei_khalil@iau.ac.ir

Abstract

This study aimed to explain the direct and indirect effects of social capacity building on women's economic participation through the mediating role of empowerment within the institutional framework of the Tehran Welfare Organization. This applied study employed a descriptive–correlational survey design. The statistical population included all female heads of household aged 25–49 covered by Tehran Welfare Organization (approximately 3,300 individuals). Based on Cochran's formula, 384 participants were required; finally, 448 valid questionnaires were analyzed. Systematic random sampling was used. Data were collected using a 65-item researcher-developed questionnaire whose content validity (CVR=0.89) and reliability (Cronbach's $\alpha=0.74-0.91$) were confirmed. Data analysis was conducted through multiple regression and path analysis using SPSS. Social capacity building significantly predicted economic participation ($R^2=0.27$, $p<0.001$). Among its components, formal institutions were the strongest predictor ($\beta=0.359$, $p<0.001$), whereas social capital showed no significant effect ($\beta=0.079$, $p=0.117$). Empowerment exerted a strong mediating effect on economic participation ($\beta=0.442$, $p<0.001$). Structural–cultural challenges negatively influenced participation ($\beta=-0.141$, $p=0.003$), while policy interventions demonstrated a positive effect ($\beta=0.192$, $p<0.001$). The findings indicate that sustainable economic participation of female heads of household can only be achieved through the integrated strengthening of formal institutions, individual empowerment programs, and structural reforms, whereas isolated welfare interventions yield limited long-term effectiveness.

Keywords: *Social Capacity Building; Economic Participation; Empowerment; Female Heads of Household; Social Development*

Submit Date: 07 August 2025

Revise Date: 22 November 2025

Accept Date: 01 December 2025

Initial Publish: 07 February 2026

Final Publish: 22 June 2026

در دهه‌های اخیر، مشارکت اقتصادی زنان به عنوان یکی از شاخص‌های بنیادین توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در اسناد بین‌المللی و برنامه‌های توسعه ملی مورد تأکید فزاینده قرار گرفته است. گزارش توسعه جهانی بانک جهانی نشان می‌دهد که نابرابری جنسیتی در بازار کار نه تنها مانعی جدی برای رشد اقتصادی است، بلکه بازتولید فقر بین‌نسلی و بی‌ثباتی اجتماعی را نیز تشدید می‌کند (World, 2012). با وجود این اجماع نظری، شکاف معناداری میان سیاست‌های اعلامی و واقعیت‌های میدانی به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مشاهده می‌شود؛ شکافی که در مورد زنان سرپرست خانوار نمود برجسته‌تری دارد. این گروه اجتماعی، که در بسیاری از جوامع در حال گسترش است، هم‌زمان با مسئولیت تأمین معیشت خانواده با مجموعه‌ای از محدودیت‌های نهادی، فرهنگی، اقتصادی و روانی مواجه است که مشارکت پایدار آنان در اقتصاد را تضعیف می‌کند (Mirhosseini & Abbaspor, 2023; Saeidi & Bajelan, 2022).

در ایران، روند فزاینده تعداد زنان سرپرست خانوار و شکنندگی موقعیت اقتصادی آنان به یکی از مسائل راهبردی سیاست اجتماعی تبدیل شده است. مطالعات تجربی نشان می‌دهد که این زنان نسبت به سایر گروه‌های زنان با سطح بالاتری از فقر، ناامنی شغلی، آسیب‌پذیری اجتماعی و فشارهای روانی روبه‌رو هستند (Tabrizi Kaho et al., 2023; Vaezi et al., 2021). هم‌زمان، شکاف مشارکت اقتصادی زنان در ایران نسبت به بسیاری از کشورها همچنان قابل توجه است و این مسئله با مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، هنجاری و نهادی پیوند خورده است (Bira, 2021; Mirhosseini & Abbaspor, 2023). این وضعیت نشان می‌دهد که صرف اجرای سیاست‌های حمایتی سنتی برای این گروه نه تنها کفایت نمی‌کند، بلکه در بسیاری موارد به بازتولید وابستگی نهادی و تضعیف عاملیت فردی آنان منجر شده است (Saeidi & Bajelan, 2022).

در این چارچوب، رویکرد «ظرفیت‌سازی اجتماعی» به عنوان یکی از مؤثرترین پارادایم‌های مداخله‌ای در حوزه توسعه انسانی و اجتماعی مطرح شده است. ظرفیت‌سازی اجتماعی فرآیندی چندبعدی است که از طریق تقویت مهارت‌های فردی، توسعه سرمایه اجتماعی، گسترش شبکه‌های حمایتی و تقویت نهادهای محلی، امکان مشارکت فعال کنشگران اجتماعی در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌سازد (Safari, 2018; Tarsi et al., 2020). پژوهش‌های بین‌المللی نشان می‌دهند که بدون تقویت ظرفیت‌های اجتماعی و نهادی، رشد اقتصادی الزاماً به بهبود مشارکت گروه‌های آسیب‌پذیر از جمله زنان سرپرست خانوار منجر نمی‌شود (Aléxia Vieira de Abreu et al., 2025; Lopez- Acevedo et al., 2021).

ابعاد نظری ظرفیت‌سازی اجتماعی بر پیوند وثیق آن با سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی استوار است. سرمایه اجتماعی، متشکل از اعتماد، هنجارهای همیاری و شبکه‌های اجتماعی، به عنوان یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازهای کنش جمعی و مشارکت اقتصادی شناخته می‌شود (Azkia & Ghaffari, 2001; Eftekhār Afzali & Kalantari, 2024). شواهد تجربی نشان می‌دهد که جوامعی که از سرمایه اجتماعی غنی‌تری برخوردارند، توان بالاتری برای ایجاد فرصت‌های اقتصادی پایدار و کاهش نابرابری‌های جنسیتی دارند (Wang et al., 2024; Zhou et al., 2023). در مقابل، تضعیف سرمایه اجتماعی و فروپاشی شبکه‌های حمایتی به انزوای اقتصادی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار می‌انجامد (Qajavand et al., 2023; Tabrizi Kaho et al., 2023).

از سوی دیگر، مشارکت اجتماعی به عنوان بستر عملیاتی مشارکت اقتصادی عمل می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد افرادی که در شبکه‌های اجتماعی، نهادهای مدنی و فعالیت‌های جمعی حضور فعال دارند، دسترسی بیشتری به منابع اقتصادی، اطلاعات شغلی و فرصت‌های درآمدی پیدا می‌کنند (Arik et al., 2014; Salemi et al., 2015; Shiani et al., 2012). این پیوند به‌ویژه برای زنان سرپرست خانوار اهمیت مضاعف دارد، زیرا مشارکت اجتماعی آنان اغلب نخستین گام در مسیر توانمندسازی اقتصادی محسوب می‌شود (Rahman et al., 2025; Tarsi et al., 2020).

در سطح بین‌المللی نیز مطالعات تطبیقی نشان داده‌اند که خانوارهای زن سرپرست به طور معناداری از نظر سلامت مالی در موقعیت شکننده‌تری نسبت به خانوارهای مردسرپرست قرار دارند و این شکاف در غیاب سیاست‌های ظرفیت‌ساز تشدید می‌شود (Aléxia Vieira de Abreu et al., 2024; Zhang et al., 2024). گزارش بانک جهانی نیز بر ضرورت گذار از سیاست‌های حمایتی کوتاه‌مدت به راهبردهای ظرفیت‌سازی بلندمدت برای کاهش فقر زنان تأکید می‌کند (World, 2012).

در ایران، علی‌رغم اجرای برنامه‌های مختلف حمایتی برای زنان سرپرست خانوار، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این مداخلات اغلب فاقد انسجام نهادی، پیوست اجتماعی و سازوکارهای توانمندساز پایدار بوده‌اند (Mirhosseini & Abbaspor, 2023; Saeidi & Bajelan, 2022). همچنین تجربه زیسته این زنان نشان می‌دهد که فقدان حمایت اجتماعی مؤثر، ضعف شبکه‌های نهادی و موانع فرهنگی، فرآیند ورود آنان به بازار کار رسمی و پایدار را به شدت محدود کرده است (Tabrizi Kaho et al., 2023; Vaezi et al., 2021).

هم‌زمان، شواهد جدید نشان می‌دهد که مداخلات مبتنی بر تقویت خودآگاهی، مهارت‌های روانی و اجتماعی، نقش کلیدی در کاهش افکار منفی و افزایش آمادگی زنان سرپرست خانوار برای مشارکت اقتصادی ایفا می‌کند (Qajavand et al., 2023). این یافته‌ها با الگوی جهانی توانمندسازی زنان در شرایط بحران و مخاطرات اجتماعی همخوانی دارد (Rahman et al., 2025).

در نهایت، مجموعه شواهد نظری و تجربی نشان می‌دهد که تحقق مشارکت اقتصادی پایدار زنان سرپرست خانوار مستلزم گذار از سیاست‌های حمایتی سنتی به راهبردهای جامع ظرفیت‌سازی اجتماعی است؛ راهبردی که به‌صورت هم‌زمان بر تقویت نهادهای اجتماعی، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و توانمندسازی فردی متمرکز باشد (Lopez-Acevedo et al., 2021; Safari, 2018; Tarsi et al., 2020; Zhang et al., 2024).

با وجود این اجماع نظری، هنوز خلأ جدی در پژوهش‌های تجربی منسجم درباره سازوکارهای اثرگذاری ظرفیت‌سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار در بستر نهادی ایران وجود دارد و اغلب مطالعات یا بر ابعاد اجتماعی تمرکز داشته‌اند یا بر پیامدهای اقتصادی، بدون آنکه این رابطه را به‌صورت ساختاری و یکپارچه تبیین کنند (Mirhosseini & Abbaspor, 2023; Saeidi & Bajelan, 2022; Tarsi et al., 2020). بر این اساس، هدف این پژوهش تبیین اثر ظرفیت‌سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار با تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی و توانمندسازی در چارچوب نهادی ایران است.

روش‌شناسی

این پژوهش با هدف سنجش تأثیر ظرفیت‌سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش بهزیستی استان تهران، با رویکردی کمی و در چارچوب روش توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی انجام شده است. از نظر هدف، این تحقیق کاربردی است و داده‌های آن در محیط طبیعی و بدون دستکاری آزمایشگاهی گردآوری شده‌اند. جامعه آماری بخش کمی پژوهش را کلیه زنان سرپرست خانوار ۲۵ تا ۴۹ ساله تحت پوشش سازمان بهزیستی استان تهران، با حجم تقریبی ۳۳۰۰ نفر، تشکیل می‌دهند. با بهره‌گیری از فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای استاندارد، حجم نمونه ۳۸۴ نفر تعیین شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی نظام‌مند استفاده گردید و در عمل، با توزیع ۵۰۰ پرسشنامه و حذف موارد ناقص، در نهایت ۴۴۸ پرسشنامه کامل مورد تحلیل قرار گرفت.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، یک پرسشنامه محقق‌ساخته ۶۵ گویه‌ای بود که ابعاد متغیرهای اصلی پژوهش شامل ظرفیت‌سازی اجتماعی (شبکه حمایت‌های غیررسمی، نهادهای رسمی و سرمایه اجتماعی)، عوامل مداخله‌گر (چالش‌های ساختاری-فرهنگی و راهکارهای سیاستی)، عوامل واسطه‌گر (توانمندسازی) و مشارکت (اجتماعی و اقتصادی) را می‌سنجید. اعتبار محتوایی پرسشنامه با نظرخواهی از ۱۰ متخصص و محاسبه نسبت روایی محتوا (CVR) تأیید شد که مقدار میانگین آن ۰.۸۹ به‌دست آمد. همچنین، پایایی ابزار با روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه

و خرده‌مقیاس‌ها محاسبه شد که مقادیر آن بین ۰.۷۴ تا ۰.۹۱ متغیر بود، نشان‌دهنده قابلیت اعتماد مطلوب ابزار اندازه‌گیری است. برای تجزیه و تحلیل مدل نظری پژوهش از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد. کلیه تحلیل‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام پذیرفت.

یافته‌ها

در راستای تبیین دقیق روابط میان متغیرهای کلیدی پژوهش حاضر و به منظور پاسخ‌گویی به سؤالات اصلی تحقیق، در این بخش به تحلیل استنباطی داده‌ها و آزمون مدل مفهومی پرداخته می‌شود. تحلیل کیفی پیشین، چارچوب نظری غنی‌ای را از مفاهیم، مقوله‌ها و شاخص‌های مؤثر بر ظرفیت‌سازی و مشارکت زنان سرپرست خانوار ارائه نمود. اکنون با بهره‌گیری از روش‌های آماری پیشرفته، به ویژه رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر، این روابط به صورت کمی و دقیق مورد سنجش قرار می‌گیرند.

هدف این بخش، بررسی هشت مسیر علی اصلی طراحی‌شده در مدل تحقیق است که عبارتند از:

۱. اثر مستقیم ظرفیت‌سازی اجتماعی (شامل شبکه‌های غیررسمی، نهادهای رسمی و سرمایه اجتماعی) بر مشارکت اجتماعی.
۲. اثر مستقیم ظرفیت‌سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی.
۳. اثر مستقیم عوامل مداخله‌گر (راهکارهای سیاستی و چالش‌های ساختاری-فرهنگی) بر مشارکت اجتماعی.
۴. اثر مستقیم عوامل مداخله‌گر بر مشارکت اقتصادی.
۵. اثر مستقیم عامل واسطه‌ای توانمندسازی بر مشارکت اجتماعی.
۶. اثر مستقیم عامل واسطه‌ای توانمندسازی بر مشارکت اقتصادی.
۷. اثر مستقیم عوامل مداخله‌گر بر خود متغیر مستقل اصلی (ظرفیت‌سازی اجتماعی).
۸. اثر مستقیم عامل واسطه‌ای (توانمندسازی) بر ظرفیت‌سازی اجتماعی.

با تحلیل این مسیرها، نه تنها قدرت تبیین، معناداری و شدت تأثیر هر یک از متغیرها مشخص می‌شود، بلکه ساختار پیچیده، چندسطحی و تعاملی مدل نیز آشکار می‌گردد. این تحلیل نشان می‌دهد که چگونه سازوکارهای سطح میانی (ظرفیت‌سازی) و سطح خرد (توانمندسازی) در تعامل با بستر کلان (سیاست‌ها و چالش‌ها)، به خروجی نهایی یعنی مشارکت اجتماعی و اقتصادی منجر می‌شوند. در ادامه، یافته‌های حاصل از هریک از این مدل‌های رگرسیونی به تفصیل ارائه و از منظر جامعه‌شناختی مورد تفسیر قرار می‌گیرد.

ضریب همبستگی چندگانه ($R=0.618$) نشان‌دهنده رابطه نسبتاً قوی بین متغیرهای مستقل و وابسته است. ضریب تعیین (0.381) حاکی از آن است که حدود ۳۸.۱ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی توسط سه بعد ظرفیت‌سازی اجتماعی (شبکه‌های غیررسمی، نهادهای رسمی و سرمایه اجتماعی) تبیین می‌شود. انحراف استاندارد باقیمانده (5.519) نیز خطای مدل را نشان می‌دهد.

مقدار F معادل 91.272 با سطح معناداری 0.000 نشان می‌دهد که مدل رگرسیون به‌طور کلی معنادار است. به عبارت دیگر، ترکیب متغیرهای مستقل به‌گونه‌ای است که توانایی پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) را دارد.

جدول ۱: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر ظرفیت‌سازی اجتماعی بر مشارکت اجتماعی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۸۳۴۱.۶۰۱	۳	۲۷۸۰.۵۳۴	۹۱.۲۷۲	.۰۰۰ ^b	.۶۱۸ ^a	.۳۸۱	.۳۷۷
باقیمانده	۱۳۵۲۶.۰۹۴	۴۴۴	۳۰.۴۶۴					
جمع	۲۱۸۶۷.۶۹۴	۴۴۷						

بر اساس تحلیل رگرسیون، نهادهای رسمی (مانند سازمان‌های مردم‌نهاد و تعاونی‌ها) با قوی‌ترین تأثیر ($\beta=0.436$) به عنوان مؤثرترین عامل در افزایش مشارکت اجتماعی زنان سرپرست خانوار شناسایی شدند. این نهادها با ایجاد چارچوب‌های قانونی و فرصت‌های عینی، بستر اصلی مشارکت را فراهم می‌کنند. سرمایه اجتماعی (اعتماد و هنجارهای همیاری) نیز تأثیر مثبت و معناداری داشت ($\beta=0.197$)، اما شدت آن متوسط بود و نشان می‌دهد که این عامل به تنهایی کافی نیست و در کنار نهادهای قوی اثرش تقویت می‌شود. در مقابل، شبکه‌های غیررسمی (روابط خویشاوندی و دوستی) با وجود معناداری، ضعیف‌ترین تأثیر را ($\beta=0.097$) داشتند. این یافته حاکی از آن است که شبکه‌های سنتی ممکن است به دلیل ایجاد محدودیت، ارائه حمایت‌های نامنظم یا فاصله گرفتن زنان سرپرست خانوار از آن‌ها، نتوانند نقش مؤثری در توانمندسازی ایفا کنند.

جدول ۲: ضرایب اثر ظرفیت سازی اجتماعی بر مشارکت اجتماعی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		معنی
	B	Std. Error	Beta	t	
۱	۹.۳۱۸	۱.۰۳۵		۹.۰۰۳	سطح داری
	(ثابت)				
	۰.۱۲۱	۰.۰۵۸	۰.۰۹۷	۲.۰۷۲	شبکه‌های غیر رسمی
	۰.۵۱۵	۰.۰۵۳	۰.۴۳۶	۹.۷۵۹	نهادهای رسمی
	۰.۲۳۶	۰.۰۵۵	۰.۱۹۷	۴.۲۶۹	سرمایه اجتماعی

a. متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی

ضریب همبستگی ($R=0.520$) و ضریب تعیین (0.270) نشان می‌دهد که قدرت تبیین مدل برای مشارکت اقتصادی (۲۷ درصد) نسبت به مشارکت اجتماعی (۳۸ درصد) کمتر است. این می‌تواند بیانگر پیچیدگی بیشتر عوامل مؤثر بر ورود زنان به عرصه اقتصاد باشد. مقدار F معادل ۵۴.۸۱۲ با سطح معناداری ۰.۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون به طور کلی معنادار است. به عبارت دیگر، ترکیب متغیرهای مستقل به گونه‌ای است که توانایی پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (مشارکت اقتصادی) را دارد.

جدول ۳: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر ظرفیت سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعدیل شده
۱	۶۴۲۹.۴۵۷	۳	۲۱۴۳.۱۵۲	۵۴.۸۱۲	۰.۰۰۰ ^b	۰.۵۲۰ ^a	۰.۲۷۰	۰.۲۶۵
	باقیمانده	۴۴۴	۳۹.۱۰۰					
	جمع	۴۴۷	۲۳۷۸۹.۹۶۴					

a. متغیر وابسته: مشارکت اقتصادی
b. پیش‌بینی‌کننده (ثابت): سرمایه اجتماعی، نهادهای رسمی، شبکه‌های غیر رسمی

نتایج تحلیل رگرسیون برای مشارکت اقتصادی نشان داد نهادهای رسمی (مانند تعاونی‌ها و مراکز مهارت‌آموزی) با قوی‌ترین اثر ($\beta=0.359$) همچنان اصلی‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده هستند. این نهادها با فراهم‌آوری منابع مالی، دانش فنی و پشتیبانی قانونی، شکاف دسترسی زنان سرپرست خانوار به عرصه اقتصاد را کاهش می‌دهند.

در مقابل، شبکه‌های غیررسمی (روابط خانوادگی و دوستی) با تأثیری نسبتاً قوی‌تر نسبت به حوزه اجتماعی ($\beta=0.176$) نقش قابل توجهی در مشارکت اقتصادی ایفا می‌کنند. این شبکه‌ها از طریق پشتیبانی عینی مانند معرفی شغل، مشارکت مالی اولیه یا مراقبت از کودکان، به عنوان سرمایه اجتماعی محسوس عمل می‌کنند. با این حال، سرمایه اجتماعی (شامل اعتماد و هنجارهای تعمیم‌یافته) تأثیر آماری معناداری بر

مشارکت اقتصادی نداشت ($\beta=0.079, p=0.117$). این یافته حاکی از آن است که برای تحرک اقتصادی، حمایت‌های نهادی و شبکه‌ای عینی و ملموس، بر مؤلفه‌های انتزاعی‌تر سرمایه اجتماعی اولویت دارند.

جدول ۴: ضرایب اثر ظرفیت سازی اجتماعی بر مشارکت اقتصادی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		معنی داری
	B	Std. Error	Beta	t	
۱	۹.۸۹۸	۱.۱۷۳		۸.۴۴۱	.۰۰۰
	(ثابت)				
	۰.۲۲۸	۰.۰۶۶	.۱۷۶	۳.۴۶۷	.۰۰۱
	شبکه‌های غیر رسمی				
	۰.۴۴۲	۰.۰۶۰	.۳۵۹	۷.۳۹۵	.۰۰۰
	نهادهای رسمی				
	۰.۰۹۸	۰.۰۶۳	.۰۷۹	۱.۵۷۰	.۱۱۷
	سرمایه اجتماعی				

a. متغیر وابسته: مشارکت اقتصادی

ضریب همبستگی ضعیف ($R=0.201$) و ضریب تعیین بسیار پایین (0.040) نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌گر (راهکارهای سیاستی و چالش‌ها) تنها ۴ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی را به‌طور مستقیم تبیین می‌کنند. این بدان معناست که اثر اصلی این عوامل احتمالاً به‌صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر ظرفیت‌سازی اجتماعی است. مقدار F معادل ۹.۳۸۳ با سطح معناداری ۰.۰۰۰ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون به‌طور کلی معنادار است. به عبارت دیگر، ترکیب متغیرهای مستقل به‌گونه‌ای است که توانایی پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (مشارکت اقتصادی) را دارد.

جدول ۵: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر عوامل مداخله‌گر بر مشارکت اجتماعی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۸۸۴.۸۷۰	۲	۴۴۲.۴۳۵	۹.۳۸۳	.۰۰۰ ^b	.۲۰۱ ^a	.۰۴۰	.۰۳۶
	باقیمانده		۴۷.۱۵۲					
	جمع		۴۴۷					

a. متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی

b. پیش‌بینی‌کننده (ثابت): راهکارهای سیاستی، چالش‌های ساختاری و فرهنگی

راهکارهای سیاستی (با ضریب استاندارد ۰.۱۸۵) تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت دارند. این نشان‌دهنده اهمیت مداخلات هدفمند دولتی، مانند ارائه وام‌های خرد، معافیت‌های مالیاتی و خدمات حمایتی است که علاوه بر کاهش موانع عینی، با ارسال پیام نمادین توجه به زنان سرپرست خانوار، مشروعیت اجتماعی فعالیت‌های آنان را نیز افزایش می‌دهد. در مقابل، چالش‌های ساختاری و فرهنگی (با ضریب ۰.۱۲۹-) اثری منفی و بازدارنده نشان می‌دهند. موانعی چون بوروکراسی پیچیده، قوانین تبعیض‌آمیز و کلیشه‌های جنسیتی، به عنوان سازوکارهای بازتولید نابرابری عمل می‌کنند و حتی در صورت وجود ظرفیت فردی، فرصت‌های مشارکت را محدود می‌سازند. غلبه بر این چالش‌ها مستلزم اصلاحات نهادی و تغییرات فرهنگی عمیق است.

جدول ۶: ضرایب اثر عوامل مداخله‌گر بر مشارکت اجتماعی

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		معنی داری
	B	Std. Error	Beta	t	
۱	۲۲.۰۲۱	۲.۲۸۱		۹.۶۵۴	.۰۰۰
	(ثابت)				
	-۰.۱۱۰	۰.۰۴۱	-۰.۱۲۹	-۲.۷۱۴	.۰۰۷
	چالش‌های ساختاری و فرهنگی				
	۰.۳۶۴	۰.۰۹۳	.۱۸۵	۳.۸۹۱	.۰۰۰
	راهکارهای سیاستی				

a. متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی

راهکارهای سیاستی (با ضریب استاندارد ۰.۱۸۵) تأثیر مثبت و معناداری بر مشارکت دارند. این نشان‌دهنده اهمیت مداخلات هدفمند دولتی، مانند ارائه وام‌های خرد، معافیت‌های مالیاتی و خدمات حمایتی است که علاوه بر کاهش موانع عینی، با ارسال پیام نمادین توجه به زنان سرپرست خانوار، مشروعیت اجتماعی فعالیت‌های آنان را نیز افزایش می‌دهد.

در مقابل، چالش‌های ساختاری و فرهنگی (با ضریب ۰.۱۲۹-) اثری منفی و بازدارنده نشان می‌دهند. موانعی چون بوروکراسی پیچیده، قوانین تبعیض‌آمیز و کلیشه‌های جنسیتی، به عنوان سازوکارهای بازتولید نابرابری عمل می‌کنند و حتی در صورت وجود ظرفیت فردی، فرصت‌های مشارکت را محدود می‌سازند. غلبه بر این چالش‌ها مستلزم اصلاحات نهادی و تغییرات فرهنگی عمیق است.

مشابه مدل مشارکت اجتماعی، این مدل نیز قدرت تبیین بسیار ضعیفی دارد ($R^2=0.045$)، یعنی تنها ۴.۵ درصد از تغییرات مشارکت اقتصادی مستقیماً توسط این دو عامل مداخله‌گر توضیح داده می‌شود. این تأیید می‌کند که مسیر اثر این عوامل بر مشارکت، عمدتاً مستقیم نیست. مدل با مقدار $F=10.402$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ از نظر آماری معنادار است. این معناداری، علی‌رغم ضعف تبیین، احتمالاً ناشی از حجم نمونه بزرگ است که حساسیت آزمون را افزایش می‌دهد.

جدول ۷: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر عوامل مداخله‌گر بر مشارکت اقتصادی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۱۰۶۲.۴۸۳	۲	۵۳۱.۲۴۱	۱۰.۴۰۲	.۰۰۰ ^b	.۲۱۱ ^a	.۰۴۵	.۰۴۰
	۲۲۷۲۷.۴۸۱	۴۴۵	۵۱.۰۷۳					
	۲۳۷۸۹.۹۶۴	۴۴۷						
	جمع							

جدول ۸: ضرایب اثر عوامل مداخله‌گر بر مشارکت اقتصادی

مدل	ضرایب استاندارد نشده			t	سطح معنی داری
	B	Std. Error	Beta		
۱	۲۰.۶۷۸	۲.۳۷۴	۸.۷۱۰	.۰۰۰	(ثابت)
	-۱.۱۲۵	.۰۴۲	-.۱۴۱	.۰۰۳	چالش‌های ساختاری و فرهنگی
	.۳۹۳	.۰۹۷	.۱۹۲	.۰۰۰	راهکارهای سیاستی

a. متغیر وابسته: مشارکت اقتصادی

"راهکارهای سیاستی" تأثیر مثبت ($\beta=0.192$) و "چالش‌های ساختاری و فرهنگی" تأثیر منفی ($\beta=-0.141$) بر مشارکت اقتصادی دارند. تأثیر منفی چالش‌ها بر اقتصاد کمی قوی‌تر از تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی است. این منطقی است زیرا موانعی مانند تبعیض شغلی یا محدودیت‌های قانونی برای مالکیت و سرمایه‌گذاری زنان، مستقیماً بر معیشت و فعالیت اقتصادی تأثیر می‌گذارند. از سوی دیگر، راهکارهای سیاستی (مانند وام‌های مشاغل خانگی) نیز تأثیر مستقیم‌تری بر انگیزه اقتصادی دارند.

این مدل نشان می‌دهد متغیر واسطه‌ای "توانمندسازی" به‌تنهایی ۱۱.۳ درصد از تغییرات مشارکت اجتماعی را تبیین می‌کند ($R^2=0.113$). ضریب همبستگی ۰.۳۳۷ رابطه مثبت متوسطی را بین افزایش توانمندی‌های فردی و مشارکت اجتماعی نشان می‌دهد. مدل با مقدار $F=57.014$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ کاملاً معنادار است، که نشان می‌دهد توانمندسازی به‌طور معناداری با افزایش مشارکت اجتماعی همراه است.

جدول ۹: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر عوامل واسطه‌گر بر مشارکت اجتماعی

مدل	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۲۴۷۸.۶۰۴	۱	۲۴۷۸.۶۰۴	۵۷.۰۱۴	.۰۰۰ ^b	۳۳۷ ^a	۱۱۳	۱۱۱
	باقیمانده	۴۴۶	۴۳.۴۷۳					
	جمع	۴۴۷	۲۱۸۶۷.۶۹۴					

a. متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی
b. پیش‌بینی‌کننده (ثابت): توانمندسازی

ضریب استاندارد شده توانمندسازی ۰.۳۳۷ است که مثبت و معنادار است. این تأیید می‌کند که افزایش دانش، مهارت‌ها و اعتماد به نفس فردی (که از ابعاد کلیدی توانمندسازی است)، سرمایه انسانی زنان را ارتقا داده و زمینه را برای حضور فعال‌تر آنان در عرصه‌های اجتماعی فراهم می‌کند. این یافته با نظریه سرمایه انسانی و رویکرد توانمندسازی فردی همسو است.

جدول ۱۰: ضرایب اثر عوامل واسطه‌گر بر مشارکت اجتماعی

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده		t	سطح معنی داری
		Beta	Std. Error		
۱	۱۴.۵۶۶	۱.۳۷۰	۱۰.۶۳۵	.۰۰۰	(ثابت)
	۰.۴۳۳	۰.۰۵۷	۷.۵۵۱	.۰۰۰	توانمندسازی

a. متغیر وابسته: مشارکت اجتماعی

در این مدل، توانمندسازی سهم تبیین بیشتری دارد ($R^2=0.195$) و حدود ۱۹.۵ درصد از تغییرات مشارکت اقتصادی را توضیح می‌دهد. ضریب همبستگی ۰.۴۴۲ نیز رابطه نسبتاً قابل توجهی را نشان می‌دهد. مدل با مقدار $F=108.054$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ از نظر آماری بسیار معنادار است، که نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی‌کنندگی قوی توانمندسازی برای مشارکت اقتصادی است.

جدول ۱۱: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر عوامل واسطه‌گر بر مشارکت اقتصادی

مدل	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۴۶۳۹.۶۲۹	۱	۴۶۳۹.۶۲۹	۱۰۸.۰۵۴	.۰۰۰ ^b	۴۴۳ ^a	۱۹۵	۱۹۳
	باقیمانده	۴۴۶	۴۲.۹۳۸					
	جمع	۴۴۷	۲۳۷۸۹.۹۶۴					

a. متغیر وابسته: مشارکت اقتصادی
b. پیش‌بینی‌کننده (ثابت): توانمندسازی

ضریب استاندارد شده توانمندسازی ۰.۴۴۲ است که هم از نظر آماری معنادار است و هم از ضریب مربوط به مشارکت اجتماعی (۰.۳۳۷) بزرگ‌تر است. این یافته کلیدی نشان می‌دهد که توانمندسازی فردی (افزایش مهارت‌های فنی، مالی و مدیریتی) حتی بیش از تأثیر بر مشارکت اجتماعی، برای ورود زنان به عرصه اقتصاد حیاتی است. این امر بر اهمیت برنامه‌های آموزشی و مهارت‌افزایی هدفمند به عنوان اهرمی برای توسعه اقتصادی زنان سرپرست خانوار تأکید دارد.

جدول ۱۲: ضرایب اثر عوامل واسطه‌گر بر مشارکت اقتصادی

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده		سطح معنی داری
		Beta	Std. Error	
۱	(ثابت)	۹.۴۶۳	۱.۳۶۱	۰.۰۰۰
	توانمندسازی	۰.۵۹۲	۰.۰۵۷	۰.۰۰۰

a. متغیر وابسته: مشارکت اقتصادی

این مدل اثر مستقیم عوامل مداخله‌گر بر خود "ظرفیت‌سازی اجتماعی" را می‌سنجد. ضریب تعیین بسیار ضعیف است ($R^2=0.017$)، به این معنی که تنها ۱.۷ درصد از تغییرات در ظرفیت‌سازی اجتماعی مستقیماً توسط چالش‌ها و راهکارهای سیاستی توضیح داده می‌شود. مدل با مقدار $F=3.892$ و سطح معناداری ۰.۰۲۱ در سطح ۹۵ درصد اطمینان معنادار است، اما این معناداری بسیار ضعیف‌تر از مدل‌های قبلی است. این نشان می‌دهد رابطه مستقیم این عوامل با ظرفیت‌سازی اجتماعی چندان قوی نیست.

جدول ۱۳: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر عوامل مداخله‌گر بر ظرفیت‌سازی اجتماعی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۱۵۴۹۶.۰۸	۲	۷۷۴۸.۰۴	۳.۸۹۲	۰.۲۱ ^b	۰.۱۳ ^a	۰.۱۷	۰.۱۳
	باقیمانده	۴۴۵	۱۹۹.۰۵۸					
	جمع	۴۴۷	۹۰۱۳۰.۳۵۵					

a. متغیر وابسته: ظرفیت‌سازی اجتماعی
b. پیش‌بینی‌کننده (ثابت): راهکارهای سیاستی، چالش‌های ساختاری و فرهنگی

"چالش‌های ساختاری و فرهنگی" تأثیر منفی ضعیف ($\beta=-0.105$) و "راهکارهای سیاستی" تأثیر مثبت ضعیف ($\beta=0.105$) بر ظرفیت‌سازی اجتماعی دارند. ضعف این روابط مستقیم حاکی از آن است که ظرفیت‌سازی اجتماعی (شبکه‌ها، نهادها، سرمایه اجتماعی) پدیده‌ای نسبتاً پایدار و نهادینه است که به‌سادگی و در کوتاه‌مدت تحت تأثیر مستقیم سیاست‌های خاص یا چالش‌های روزمره قرار نمی‌گیرد. شکل‌گیری آن نیاز به زمان و فرایندهای اجتماعی عمیق‌تری دارد.

جدول ۱۴: ضرایب اثر عوامل مداخله‌گر بر ظرفیت‌سازی اجتماعی

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده		سطح معنی داری
		Beta	Std. Error	
۱	(ثابت)	۵۳.۳۱۳	۴.۶۸۷	۰.۰۰۰
	چالش‌های ساختاری و فرهنگی	-۰.۱۸۲	۰.۰۸۴	۰.۰۳۰
	راهکارهای سیاستی	۰.۴۲۰	۰.۱۹۲	۰.۰۲۹

a. متغیر وابسته: ظرفیت‌سازی اجتماعی

این مدل رابطه متغیر واسطه‌ای "توانمندسازی" را با متغیر مستقل اصلی "ظرفیت‌سازی اجتماعی" بررسی می‌کند. ضریب تعیین ۰.۰۷۳ نشان می‌دهد توانمندسازی ۷.۳ درصد از تغییرات ظرفیت‌سازی اجتماعی را تبیین می‌کند. مدل با مقدار $F=35.206$ و سطح معناداری ۰.۰۰۰ کاملاً معنادار است، که نشان می‌دهد بین افزایش توانمندی‌های فردی و تقویت ظرفیت‌سازی اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۱۵: خلاصه مدل و تحلیل واریانس اثر عوامل واسطه‌گر بر ظرفیت سازی اجتماعی

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
۱	۶۵۹۴.۱۵۷	۱	۶۵۹۴.۱۵۷	۳۵.۲۰۶	.۰۰۰ ^b	.۲۷۰ ^a	.۰۷۳	.۰۷۱
	۸۳۵۳۶.۱۹۸	۴۴۶	۱۸۷.۳۰۱					
	۹۰۱۳۰.۳۵۵	۴۴۷						

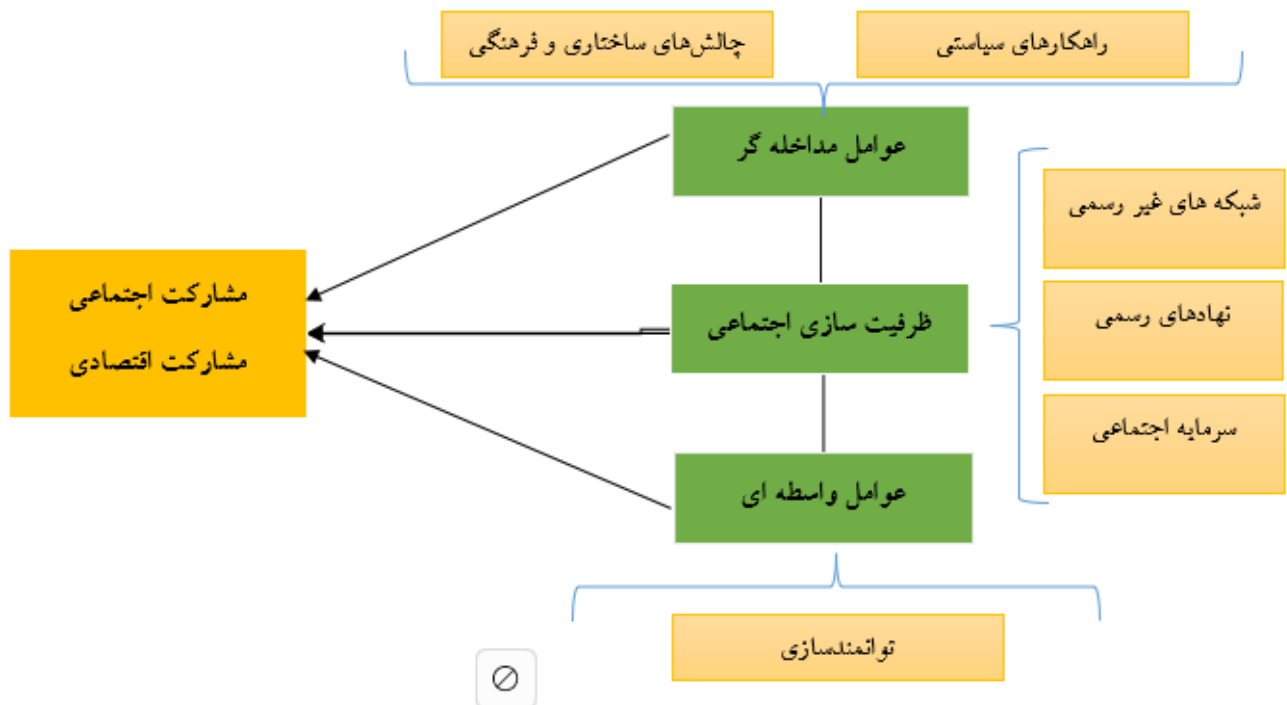
a. متغیر وابسته: ظرفیت سازی اجتماعی
b. پیش‌بینی کننده (ثابت): توانمندسازی

ضریب استاندارد شده توانمندسازی ۰.۲۷۰ است که مثبت و معنادار است. این رابطه دوسویگی مهمی را در مدل نشان می‌دهد: از یک سو، ظرفیت سازی اجتماعی (شبکه‌ها و نهادها) می‌تواند افراد را توانمند کند (مسیر اصلی مدل)، و از سوی دیگر، افراد توانمند شده نیز می‌توانند با مشارکت فعال تر خود، به تقویت نهادها و شبکه‌های اجتماعی کمک کنند و ظرفیت سازی اجتماعی را توسعه دهند.

جدول ۱۶: ضرایب اثر عوامل واسطه‌گر بر ظرفیت سازی اجتماعی

مدل	ضرایب استاندارد نشده	ضرایب استاندارد شده		t	سطح معنی داری
		Beta	Std. Error		
۱	۳۷.۶۱۲	۲.۸۴۳	۱۳.۲۳۰	.۰۰۰.	(ثابت)
	۷۰۶.	۱۱۹.	۵.۹۳۳	.۰۰۰.	توانمندسازی

a. متغیر وابسته: ظرفیت سازی اجتماعی



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

یافته‌های این پژوهش تصویری منسجم و چندلایه از سازوکارهای مؤثر بر مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که ظرفیت‌سازی اجتماعی به‌عنوان متغیر بنیادین، هم به‌صورت مستقیم و هم به‌واسطه متغیر توانمندسازی، نقشی تعیین‌کننده در افزایش مشارکت اقتصادی این گروه ایفا می‌کند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که ظرفیت‌سازی اجتماعی توانسته است ۲۷ درصد از واریانس مشارکت اقتصادی را تبیین کند و این میزان تبیین، با توجه به پیچیدگی و چندعاملی بودن رفتار اقتصادی، از اهمیت نظری و کاربردی بالایی برخوردار است. این یافته با ادبیات توسعه‌ای همسو است که ظرفیت‌سازی اجتماعی را زیرساخت اصلی کنش اقتصادی پایدار معرفی می‌کند (Safari, 2018; Tarsi et al., 2020).

در میان ابعاد ظرفیت‌سازی اجتماعی، نهادهای رسمی قوی‌ترین پیش‌بین مشارکت اقتصادی شناسایی شدند. این نتیجه بیانگر آن است که دسترسی زنان سرپرست خانوار به ساختارهای نهادی منظم، شامل تعاونی‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و مراکز مهارت‌آموزی، نقش محوری در تسهیل ورود آنان به فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌کند. این یافته با نتایج پژوهش‌های داخلی که بر نقش ساختارهای نهادی در افزایش مشارکت شهروندی و اقتصادی تأکید داشته‌اند همخوان است (Arik et al., 2014; Salemi et al., 2015; Shiani et al., 2012). همچنین هم‌راستا با گزارش بانک جهانی است که نهادهای اجتماعی توانمند را شرط اساسی کاهش شکاف جنسیتی در بازار کار معرفی می‌کند (World, 2012).

در مقابل، سرمایه اجتماعی در تبیین مشارکت اقتصادی اثر معناداری نشان نداد، هرچند در حوزه مشارکت اجتماعی نقش مثبت و معناداری داشت. این یافته دلالت نظری مهمی دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که اعتماد و هنجارهای اجتماعی به‌تنهایی برای فعال‌سازی مشارکت اقتصادی کفایت نمی‌کند و تنها زمانی به کنش اقتصادی منجر می‌شود که از طریق نهادهای رسمی به فرصت‌های واقعی اقتصادی ترجمه شود. این نتیجه با مطالعات تطبیقی همسو است که نشان داده‌اند خانوارهای زن سرپرست حتی در جوامعی با پیوندهای اجتماعی قوی، در صورت ضعف ساختارهای نهادی اقتصادی، همچنان از سلامت مالی پایین‌تری برخوردارند (Aléxia Vieira de Abreu et al., 2025; Zhang et al., 2024). یافته حاضر همچنین با تحلیل‌های توسعه‌ای در کشورهای در حال توسعه همخوان است که تأکید می‌کنند رشد سرمایه اجتماعی بدون اصلاح ساختارهای بازار کار اثر محدودی بر مشارکت اقتصادی زنان دارد (Lopez-Acevedo et al., 2021).

یافته محوری دیگر پژوهش، نقش برجسته متغیر توانمندسازی به‌عنوان سازوکار واسطه‌ای در تبدیل ظرفیت‌سازی اجتماعی به مشارکت اقتصادی است. توانمندسازی با ضریب استاندارد بالا، بیشترین قدرت تبیینی را در افزایش مشارکت اقتصادی نشان داد. این نتیجه به‌روشنی مؤید دیدگاه‌های نظری است که عاملیت فردی، خودکارآمدی و مهارت‌های روانی-اجتماعی را پیشران اصلی رفتار اقتصادی پایدار معرفی می‌کنند. این یافته با پژوهش‌هایی که بر اهمیت آموزش مهارتی، خودآگاهی و تقویت سرمایه انسانی زنان سرپرست خانوار تأکید دارند همسو است (Qajavand et al., 2023; Rahman et al., 2025; Tarsi et al., 2020).

از منظر ساختاری، نتایج نشان داد که چالش‌های ساختاری-فرهنگی اثر منفی و معناداری بر مشارکت اقتصادی دارند. این چالش‌ها شامل تبعیض‌های نهادی، هنجارهای جنسیتی محدودکننده و بوروکراسی‌های بازدارنده است که مطابق یافته‌های پیشین، مهم‌ترین موانع مشارکت زنان در اقتصاد ایران محسوب می‌شوند (Bira, 2021; Mirhosseini & Abbaspor, 2023; Saeidi & Bajelan, 2022). این نتیجه همچنین با تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار همخوان است که نشان می‌دهد فشارهای اجتماعی و فرهنگی نقش بازدارنده جدی در مسیر استقلال اقتصادی آنان ایفا می‌کند (Tabrizi Kaho et al., 2023; Vaezi et al., 2021).

در مقابل، راهکارهای سیاستی اثر مثبت و معناداری بر مشارکت اقتصادی داشتند. این یافته تأیید می‌کند که سیاست‌های هدفمند حمایتی، زمانی که در کنار ظرفیت‌سازی نهادی و توانمندسازی فردی قرار گیرند، می‌توانند به افزایش مشارکت اقتصادی منجر شوند. این نتیجه با

مطالعات بین‌المللی که بر ضرورت سیاست‌های تلفیقی اشتغال، آموزش و حمایت اجتماعی برای کاهش نابرابری جنسیتی تأکید دارند همسو است (Aléxia Vieira de Abreu et al., 2025; Lopez-Acevedo et al., 2021; World, 2012).

همچنین رابطه مثبت بین مشارکت اجتماعی و مشارکت اقتصادی که به‌طور غیرمستقیم در این مدل مشاهده شد، مؤید دیدگاه‌هایی است که مشارکت اجتماعی را بستر شکل‌گیری سرمایه اقتصادی می‌دانند. مطالعات متعدد نشان داده‌اند که حضور فعال در شبکه‌های اجتماعی و نهادهای محلی دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی، منابع اطلاعاتی و حمایت‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد (Arik et al., 2014; Azkia, 2014; Ghaffari, 2001; Wang et al., 2024; Zhou et al., 2023). یافته‌های این پژوهش نیز این پیوند نظری را در بستر زنان سرپرست خانوار ایران تأیید می‌کند.

در مجموع، مدل نهایی پژوهش نشان می‌دهد که مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار محصول تعامل پویا میان ظرفیت‌سازی اجتماعی، توانمندسازی فردی، سیاست‌های حمایتی و شرایط ساختاری است. این نتیجه همسو با رویکردهای نوین توسعه اجتماعی است که مشارکت اقتصادی زنان را نه پیامد صرف رشد اقتصادی، بلکه حاصل سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های اجتماعی و انسانی می‌دانند (Rahman, 2020; et al., 2025; Safari, 2018; Tarsi et al., 2020).

یکی از محدودیت‌های این پژوهش تمرکز آن بر یک بستر نهادی مشخص بود که امکان تعمیم نتایج به سایر مناطق کشور را تا حدی محدود می‌کند. همچنین استفاده از ابزار خودگزارشی ممکن است تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهندگان قرار گرفته باشد و شرایط مقطعی گردآوری داده‌ها مانع بررسی پویایی تغییرات مشارکت اقتصادی در طول زمان شده است.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از طرح‌های طولی، مسیر تحولات مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار را در بازه‌های زمانی بلندمدت بررسی کنند. همچنین استفاده از روش‌های ترکیبی کمی-کیفی می‌تواند درک عمیق‌تری از سازوکارهای ذهنی و اجتماعی مؤثر بر رفتار اقتصادی این گروه فراهم سازد.

ضروری است سیاست‌گذاران حوزه رفاه و اشتغال زنان، رویکردی یکپارچه مبتنی بر تقویت نهادهای محلی، توسعه مهارت‌های فردی و کاهش موانع ساختاری اتخاذ کنند. طراحی برنامه‌های توانمندسازی پایدار، حمایت هدفمند از تعاونی‌های زنان و اصلاح مقررات محدودکننده بازار کار می‌تواند به شکل معناداری مشارکت اقتصادی زنان سرپرست خانوار را ارتقا دهد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی‌رایت ارسال خواهد شد.

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

Extended Abstract

Introduction

Women's economic participation is internationally recognized as a central pillar of sustainable development, poverty reduction, and social equity. Nevertheless, women-headed households remain among the most economically vulnerable social groups worldwide, facing intersecting structural, cultural, and institutional barriers that systematically restrict their access to stable income, employment opportunities, and financial security (World, 2012). This vulnerability is particularly pronounced in developing societies where gender norms, labor market segmentation, and insufficient institutional support mechanisms further marginalize women who bear sole responsibility for household provision (Bira, 2021; Mirhosseini & Abbaspor, 2023). Comparative evidence indicates that female-headed households are significantly more likely to experience financial precarity and long-term poverty relative to male-headed households, even when overall economic growth is present (Aléxia Vieira de Abreu et al., 2025; Zhang et al., 2024).

Recent development research has increasingly emphasized that economic growth alone does not guarantee equitable inclusion of women in labor markets. Structural constraints embedded within labor institutions, policy frameworks, and socio-cultural systems must be addressed through integrated social interventions (Lopez-Acevedo et al., 2021; Rahman et al., 2025). In this context, social capacity building has emerged as a critical development strategy. Social capacity building is conceptualized as a multidimensional process encompassing the strengthening of individual skills, expansion of social networks, enhancement of institutional support, and accumulation of social capital, all of which enable individuals and communities to participate more effectively in economic life (Safari, 2018; Tarsi et al., 2020).

Extensive empirical literature confirms the close relationship between social participation, institutional embeddedness, and economic engagement. Individuals who are integrated into social organizations and community networks benefit from increased access to information, employment channels, financial resources, and collective support (Arik et al., 2014; Salemi et al., 2015; Shiani et al., 2012). Trust and social cohesion further reinforce this process by reducing transaction costs and facilitating cooperation in economic activities (Azkia & Ghaffari, 2001; Eftekhār Afzali & Kalantari, 2024). Moreover, social participation plays a mediating role between psychosocial well-being and economic functioning, strengthening resilience and adaptive capacity among vulnerable populations (Wang et al., 2024; Zhou et al., 2023).

In Iran, the expanding population of women-headed households has intensified policy concerns regarding poverty, social exclusion, and economic marginalization. Despite the implementation of multiple welfare and empowerment programs, empirical studies reveal persistent gaps between policy objectives and actual economic outcomes for this group (Mirhosseini & Abbaspor, 2023; Saeidi & Bajelan, 2022). Qualitative investigations into the lived experiences of women heads of household further illustrate that limited institutional trust, fragile social networks, and deep-rooted cultural constraints significantly hinder their pathways toward sustainable economic participation (Tabrizi Kaho et al., 2023; Vaezi et al., 2021).

Additionally, psychological empowerment and self-awareness have been identified as essential components of economic reintegration among women heads of household. Social work interventions targeting self-awareness and cognitive restructuring have demonstrated positive effects on women's readiness for economic engagement (Qajavand et al., 2023). These findings align with broader international evidence emphasizing

that empowerment processes constitute a fundamental mechanism through which social capacity building is translated into concrete economic participation (Rahman et al., 2025; Tarsi et al., 2020).

Taken together, existing research underscores that the economic participation of women-headed households cannot be adequately explained by economic variables alone. Instead, it reflects the cumulative effects of social capacity building, institutional access, social participation, empowerment, and policy environments. However, despite this expanding body of literature, limited empirical research has examined these relationships in an integrated model within the Iranian institutional context. The present study seeks to address this gap by investigating how social capacity building influences the economic participation of women heads of household, both directly and indirectly through the mediating role of empowerment, while accounting for structural and policy-related conditions (Mirhosseini & Abbaspor, 2023; Saeidi & Bajelan, 2022; Safari, 2018; Tarsi et al., 2020).

Methods and Materials

This study employed an applied, descriptive–correlational survey design. The target population consisted of all women heads of household aged 25 to 49 who were registered with the Tehran Welfare Organization, totaling approximately 3,300 individuals. Using Cochran’s sampling formula, a minimum sample size of 384 was calculated. To ensure sufficient statistical power and data quality, 500 questionnaires were distributed using systematic random sampling, of which 448 valid responses were retained for final analysis.

Data were collected through a 65-item researcher-developed questionnaire measuring social capacity building (formal institutions, informal networks, and social capital), empowerment, social participation, economic participation, policy interventions, and structural–cultural challenges. Content validity was confirmed through expert review and calculation of the content validity ratio (CVR = 0.89). Reliability was assessed using Cronbach’s alpha, yielding coefficients between 0.74 and 0.91 for the overall instrument and subscales.

Statistical analyses were conducted using SPSS software. Descriptive statistics were followed by multiple regression analyses and path analysis to test the hypothesized relationships among variables and evaluate both direct and indirect effects.

Findings

The regression analyses revealed that social capacity building explained 27% of the variance in economic participation ($R^2 = 0.27$, $p < .001$). Among its components, formal institutions emerged as the strongest predictor of economic participation ($\beta = 0.359$, $p < .001$), followed by informal networks ($\beta = 0.176$, $p < .01$). Social capital did not demonstrate a statistically significant direct effect on economic participation ($\beta = 0.079$, $p = .117$).

Empowerment exerted a strong positive effect on economic participation ($\beta = 0.442$, $p < .001$) and significantly mediated the relationship between social capacity building and economic participation. Structural–cultural challenges negatively influenced economic participation ($\beta = -0.141$, $p < .01$), while policy interventions showed a positive effect ($\beta = 0.192$, $p < .001$).

Path analysis indicated a dynamic multilevel model in which social capacity building influenced economic participation both directly and indirectly through empowerment, while policy interventions and structural barriers moderated these relationships.

Discussion and Conclusion

The results demonstrate that sustainable economic participation among women heads of household is not the outcome of isolated financial support mechanisms, but rather the product of an interconnected system of social capacity building, empowerment processes, institutional access, and supportive policy environments. Formal institutions constitute the structural backbone of economic inclusion by translating social resources into tangible economic opportunities. Informal networks provide complementary support, particularly in

facilitating entry into income-generating activities, while empowerment functions as the primary psychological and cognitive engine that converts social resources into economic agency.

The absence of a significant direct effect of social capital on economic participation suggests that trust and social cohesion alone are insufficient unless embedded within effective institutional frameworks. Structural-cultural barriers continue to exert a suppressive effect on women's economic engagement, underscoring the necessity of comprehensive policy reforms.

Overall, the study confirms that economic participation among women heads of household requires an integrated development strategy that simultaneously strengthens institutions, enhances individual empowerment, expands social participation, and dismantles structural constraints. Without such systemic alignment, isolated interventions remain limited in their capacity to generate long-term economic transformation.

References

- Aléxia Vieira de Abreu, R., Eloah Costa de Sant Anna, R., & Salles-Costa, R. (2025). Food Insecurity and Employment Income: Considerations Regarding Gender Inequalities. *Public Health Nutrition*, 28(1). <https://doi.org/10.1017/s1368980025101201>
- Arik, B., Gholizadeh Gorjan, M., & Zolali, B. (2014). Investigating social factors affecting the social participation of citizens in Ardabil. The First National Conference on Economics, Management and Culture of Islamic Iran, Ardabil, Iran. <https://en.civilica.com/doc/362356/>
- Azkiya, M., & Ghaffari, G. R. (2001). Investigating the relationship between trust and participation in rural areas of Kashan city. *Social Sciences Letter*, 17. https://jnoe.ut.ac.ir/article_15215.html?lang=en
- Bira, S. (2021). A comparative study of Islamic and Western perspectives on women's participation in economic activities. *Interdisciplinary Women's Studies*, 2(2), 41-55. <https://doi.org/10.52547/row.2.2.41>
- Eftekhār Afzali, S. H., & Kalantari, E. (2024). Analyzing Social Capital from a Religious Perspective: A Thematic Analysis of Social Participation in the Ideological Framework of the Supreme Leader (May His Shadow Endure). *Interdisciplinary Studies of Islamic Revolution and Civilization*, 2(7), 11-37. https://cir.ihu.ac.ir/article_209282.html?lang=en
- Lopez-Acevedo, G., Betcherman, G., Khellaf, A., & Vasco, M. (2021). *Morocco's Jobs Landscape: Identifying Constraints to an Inclusive Labor Market*. World Bank. <https://doi.org/10.1596/978-1-4648-1678-9>
- Mirhosseini, Z., & Abbaspor, Z. (2023). Identifying barriers and deterrents to women's participation in the economy and development. *Economic Sociology and Development*, 12(1), 177-203. https://sociology.tabrizu.ac.ir/article_17082.html?lang=en
- Qajavand, Q., Mazloom, S. A., & Rasouli, Z. (2023, February 19). The Effectiveness of Social Work Interventions on Self-Awareness and Negative Automatic Thoughts Among Female Heads of Households. Seventh International Conference on Global Studies in Educational Sciences, Psychology, and Counseling, Tehran. <https://civilica.com/doc/2010915/>
- Rahman, S., Yusoff, S. Y. M., & Dali, M. M. (2025). Women's Agility in Coping With Cyclone and Cyclone-Induced Hazards: A Case Study on Female-Headed Households in Coastal Bangladesh. *Planning Malaysia*, 23. <https://doi.org/10.21837/pm.v23i36.1738>
- Saeidi, A. A., & Bajelan, A. (2022). Analyzing the challenges of the female-headed household empowerment plan in development programs. *Strategic Women's Studies*, 24(95), 147-174. https://www.jwss.ir/article_163585.html
- Safari, M. (2018). *Presenting a model for development and capacity building of social capital (Case study: Ilam state organizations)* [Ilam University].
- Salemi, A., Sheikhi, G., Kordeh, S., & Bahramian, A. (2015). Investigating the relationship between the expression of social factors and the level of citizen participation in urban affairs. International Conference on Management, Economics, Accounting, and Educational Sciences, <https://en.civilica.com/doc/444486/>
- Shiani, M., Razavi Alhashem, B., & Delpasand, K. (2012). Investigating social factors affecting citizen participation in urban management affairs in Tehran. *Specialized Scientific Quarterly of Urban Studies*, 2(4). <https://sid.ir/paper/210353/en>
- Tabrizi Kaho, G., Salehi, K., Keshavarz Afshar, H., & Madani, Y. (2023). Phenomenology of the Lived Experience of Female-Headed Households Regarding Social Support. *Applied Sociology*, 34(1), 113-138. https://www.researchgate.net/publication/367272625_Phenomenology_of_the_lived_experience_of_female_heads_of_the_household_from_social_support

- Tarsi, Z., Karimzadeh, H., & Aghayari-Hir, M. (2020). Investigating the relationship between capacity building and empowerment of rural women (Case study: Zanjan County). *Geography and Development*, 18(58), 203-224. https://www.researchgate.net/publication/346651153_A_Investigating_the_Relationship_Between_Capacity_Building_and_Empowerment_of_Rural_Women_Case_Study_Zanjan_County
- Vaezi, F., Esmaili, R., & Mohammadi, A. (2021). Analyzing the lived experiences of female-headed households in facing high-risk behaviors (Study of female-headed households in Kerman city). *Strategic Women's Studies*, 24(94). https://www.jwss.ir/article_146187_en.html
- Wang, Y., Zheng, F., & Zhang, X. (2024). The Impact of Social Participation on Frailty Among Older Adults: The Mediating Role of Loneliness and Sleep Quality. *Healthcare*, 12(20), 2085. <https://doi.org/10.3390/healthcare12202085>
- World, B. (2012). World development report 2012: Gender equality and development. <https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/492221468136792185>
- Zhang, Y., Li, K., & Huang, J. (2024). Do Female-Headed Households Have Poorer Financial Health Compared to Male-Headed Households? Evidence From China. *International Journal of Population Studies*, 11(2), 95. <https://doi.org/10.36922/ijps.4403>
- Zhou, R., Cui, J., & Yin, X. (2023). Perceived family relationships and social participation through sports of urban older adults living alone: An analysis of the mediating effect of self-respect levels. *Frontiers in Public Health*, 11, 1095302. <https://doi.org/10.3389/fpubh.2023.1095302>